

گفت‌وگویی صبا با مهیار مجیب مجری برنامه‌های کودک تلویزیون:

سریال آینده بعد عادت‌م کرد مغرور شدم!



ندا روزبه

گفت‌وگو

مهیار مجیب، فیلمنامه‌نویس، بازیگر و مجری تلویزیون است که کودکان بیشتر او را با شخصیت‌هایی چون «عمو نیما» در برنامه رنگین کمان که از شبکه پنجم سیما پخش می‌شد می‌شناسند. سال‌هاست که «عمو نیما»ی برنامه «رنگین کمان» از چهره‌های محبوب و دوست‌داشتنی بچه‌هاست. از آن‌جا که این روزها شاهد اجرای او در برنامه پر طرفدار «آفتاب مهتاب» گروه خردسال هستیم، خبرنگار صبا فرصت را غنیمت شمرده و با او به گفت‌وگو نشست.

شما سال‌هاست که در حیطه بازی و اجرا حضور دارید، اما بیشتر به عنوان مجری برنامه کودک و نوجوان شناخته شده‌اید؛ آیا این به دلیل تمایل بیشتر خودتان به اجرا بوده تا بازیگری؟ و اصلاً چه شد که این حوزه را نیز انتخاب کردید؟

من جزو معدود آدم‌هایی هستم که از کودکی مسیر مشخصی داشته‌ام. چون از همان دوران کودکی عشق و علاقه‌ام به بازیگری بود، در دانشگاه هم رشته بازیگری و کارگردانی خواندم. ولی خب در زمینه بازیگری خیلی اقبال نداشتم و نشد. شاید بازی‌ام خوب نبود، من را دوست نداشته‌اند!

کارم را از سال ۱۳۶۷ با بازی در سریال «آینه» شروع کردم و فکر می‌کنم همان سریال من را بد عادت کرد! چون در سریال «آینه» نقش اول را ایفا می‌کردم، بعد از آن بیشتر نقش‌های دو سه پیشنهاد می‌شد و راستش را بخواهید یک خرده مغرور شده بودم و آن نقش‌ها را قبول نمی‌کردم. به مرور از مسیر اصلی دور شدم و رفتم به سمت دستیار کارگردانی و برنامه‌ریزی تا بتوانم در کنارش دوباره همان طور که دوست داشتم، بازیگری کنم که نشد. بیشتر بازی‌هایم را نیز در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی خانم مرضیه برومند ایفا کردم. بعد از بازی در فیلم «در به درها»، مدیر محترم گروه کودک شبکه پنج از من دعوت کرد و وقتی خدمت او رفتم، آن‌جا توسط تهیه‌کننده برنامه «رنگین کمان» که تا پیش از آن، برای همان برنامه نویسنده می‌کردم و دستیار بودم؛ به عنوان مجری و کارگردان انتخاب شدم. ورودم به حوزه اجرا از همان زمان شروع شد و این اقبال باعث شد تا ده سال بتوانم در خدمت شبکه پنج و برنامه «رنگین کمان» باشم.

خودتان از این که بیشتر اجرا می‌کنید تا بازی؛ راضی هستید؟

راستش را بخواهید نه، زیاد راضی نیستم. چون خیلی هم در این زمینه کار ندارم. یعنی بعد از آن ده سال، تقریباً می‌توانم بگویم که دیگر بی‌کارم. تک و توک شاید سریالی باشد که بتوانم در آن بازی کنم یا اگر از طرف تهیه‌کننده‌های محترم کودک اقبالی شود تا برای اجرای برنامه‌های کودک حضور داشته باشم؛ چیزی که به آن علاقه دارم. اصلاً موضوع پایان‌نامه فوق لیسانس هم در رابطه با کودک و «نقش عروسک در تغییر رفتار کودک» است. در واقع من به این قضیه همیشه تخصصی نگاه کرده‌ام.

اوایل هر کاری سختی‌های خودش را دارد. آیا شما هم اوایل اجراهایی که با کودکان داشتید، برایتان پیش آمده یا در موقعیتی قرار گرفته‌اید که با بچه‌هایی مواجه شوید که کنترل کردن یا ارتباط گرفتن با آن‌ها برایتان سخت بوده باشد و مثلاً با خودتان گفته باشید که این‌ها را چه کنم و...؟!

راستش را بخواهید نه اصلاً... اگر بچه شما را دوست داشته باشد، دنبال می‌کند. اگر هم دوست نداشته باشد، اصلاً شما را نگاه نمی‌کند! و من در طول سال‌هایی که مدام کودکان می‌آمدند و بیننده زنده برنامه‌ها بودند، به یاد ندارم که در این مسئله با کودکی دچار مشکل شده باشم. اکثرشان به من لطف داشتند، با من عکس می‌گرفتند و دوستم داشتند. اصلاً یاد نمی‌آید که مثلاً بچه‌ای از من رو گردانده باشد.

خب این به خاطر شخصیت خودتان هم هست، برای کودکان دوست‌داشتنی هستید. احساس می‌کنم برای کار کردن با بچه‌ها باید یک خلوص و عشق خاصی داشت.

این لطف شماسست. یقیناً برای انجام هر کاری باید به آن حرفه علاقه‌مند بود. من از ابتدا علاقه خاصی به کار کودک داشتم، اکثر فیلم‌های سینمایی‌ای که در آن‌ها بازی کرده‌ام و بیشتر نوشته‌هایم نیز برای کودکان است. خیلی کم پیش آمده که مثلاً سریالی برای بزرگسال نوشته باشم. ولی هنوز موفق نشده‌ام آن‌چه که دلم می‌خواهد را برای کودکان بنویسم، اجرا یا بازی کنم. به جز «در به درها» فکر نمی‌کنم چیز قابل ارائه‌ای داشته باشم آن هم در زمینه بازیگری.

قطعاً این طور نیست ولی امیدوارم آن اتفاقی که می‌خواهید زودتر بیفتد.

دیگر پنجاه و پنج سالم شد، فکر نمی‌کنم در عرصه کودک دیگر بتوانم کاری انجام دهم، دارم پیر می‌شوم! مگر این که مثلاً برای بازی

که الان در دست دارند، یک مهارت بیاموزند. مشکلی که در حال حاضر بیشتر ذهن من را مشغول کرده، همین موضوع است.

شاید یکی از دلایل این باشد که برای این حوزه خیلی کم برنامه‌سازی می‌شود. کلاس‌هاست که حوزه کودک و نوجوان چه در سینما و چه در تلویزیون مورد کم لطفی قرار گرفته است.

دقیقاً این نکته را قبول دارم

شما به عنوان کسی که سال‌هاست در این زمینه فعالیت دارید، چه عواملی را دلیل کم بودن برنامه‌سازی در این بخش می‌دانید؟

البته بهتر است خیلی هم این گونه نگاه نکنیم که به بچه‌ها توجه نشده یا کم لطفی شده، چون در این مدت کارهای خوبی هم ساخته شده ولی آن قدر تعدادشان کم است، به نظر می‌آید که بله کاری برایشان نشده. الان جوان‌هایی در عرصه کودک و نوجوان فعالیت می‌کنند که ایده‌های خیلی خوبی هم دارند؛ اما مشکل اقتصادی مشکلی است که گریبان همه مردم را گرفته است. تلویزیون برای این که بتواند یک برنامه خوب و فاخر بسازد، نیاز به پول دارد و این پول بیشتر صرف برنامه‌های اجتماعی و سریال‌های بزرگسال می‌شود و به نظر من نیاز است که دولت، آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ، صداوسیما، در واقع تمام آن‌هایی که متولی فرهنگ هستند دست به دست هم دهند و فضایی را ایجاد کنند که جوان‌ها بتوانند بیایند و در این عرصه فعالیت کنند. من حدود ده سال دستیار خانم مرضیه برومند بودم و خیلی از او آموختم. الان به نظر من برومند باید شاگرد داشته باشد و بتواند افرادی را برای این عرصه آماده کند. همین طور ایرج طهماسب و خیلی‌های دیگر که باید از آن‌ها خواسته شود که کمک کنند و یک سری افراد را برای تولید محتوا، آموزش دهند. چه در فضای مجازی

در نقش یک پیر مرد، بخواهند از من استفاده کنند!

البته توانمندی هنرمندان در تمام سنین همراشان خواهد بود... از چالش‌های کار با کودک و نوجوان برای مان بگویید.

در آن ده ساله که ما برنامه زنده «رنگین کمان» را داشتیم، بچه‌ها خیلی کم تر سرراغ تیلت و فضای مجازی می‌رفتند. اما الان این که بتوانید بچه‌های دهه نود را جذب کنید، محتوا و حرفی برای گفتن داشته باشید که بتواند آن‌ها را جذب کند و از تیلت و موبایل و این‌ها دور کند تا به سمت شما بیایند و با شما ارتباط برقرار کنند کار سختی است. در واقع یکی از چالش‌هایی که الان با آن مواجه هستیم کمبود محتوا برای کودک، مخصوصاً نوجوان است. باز هم برای کودک می‌توانیم، حرفی برای گفتن داشته باشیم چون بچه‌ها هنوز دارند شکل می‌گیرند، اما به نظر من برای نوجوان خیلی باید کار کنیم چون نوجوانان ما خیلی خیلی در محاصره فضای مجازی هستند. فضایی که محتوا در آن کم تر پیدا می‌شود و اتفاقاتی که در آن می‌افتد شاید برای ما خانواده‌های ایرانی اتفاقات خوب و خوشایندی نباشد. خود من الان خیلی سخت می‌توانم با دخترم که سیزده ساله است، ارتباط برقرار کنم و او را جذب کنم برای این که بنشیند و با من حرف بزند. او هم مانند اغلب نوجوان‌ها، سرش بیشتر در همین فضای مجازی و محتوایی است که بسیار هم سطحی‌اند و همین ویدئوهای که در حال حاضر به عنوان کم‌دی در فضای مجازی پخش می‌شود، کم‌دی‌هایی که واقعا نمی‌شود به آن‌ها گفت کم‌دی و مجاب کردن او برای خواندن کتاب یا مثلاً دیدن فیلم خوب، برایم سخت است. متأسفانه این روزها گرایش بچه‌های ما بیشتر به سمت چنین فضاهایی است و یکی از چالش‌های من همین مسئله است. دلم می‌خواهد یک فضایی برای نوجوان‌ها ساخته شود، جایی که مثلاً هم برایشان اتاق‌های بازی باشد و هم فضاهای فکری تا بتوانند با همین تیلت و گوشی‌هایی